



تحلیل انسجام و پیوستگی خطبه‌های امام علی(ع) با موضوع حکمیت بر اساس تحلیل محتوای کیفی

نازی قنبری پریخانی^۱ و علی‌باقر طاهری‌نیا^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۳

چکیده

ماجرای «حکمیت» در سرزمین صفین از حوادث بی‌سابقه تاریخ اسلام به‌شمار می‌رود. امیرالمؤمنین(ع) که در آستانه پیروزی قرار داشت، به سبب نیرنگ عمروعاص و فریب خوردن تعداد قابل‌توجهی از سربازان ایشان، از ادامه نبرد و دست یافتن به پیروزی بازماند و عواقب وخیم جریان حکمیت تا مدت‌ها گریبان‌گیر مسلمانان شد. در این پژوهش خطبه‌های امام علی(ع) قبل و حین نبرد صفین، به روش تحلیل محتوای کیفی، مورد بررسی قرار گرفته است. ایشان در زمینه دشمن‌شناسی از میان ویژگی‌های منفی دشمن بیشتر بر روی سابقه کفر معاویه و اطرافیانش، دشمنی آنان با خداوند، قرآن و سنت پیامبر(ص)، بی‌توجهی به فرامین الهی، دعوتشان به بت‌پرستی و مواردی از این قبیل تأکید دارد که در تنافی کامل با تمسک آنان به قرآن و نیات خیرخواهانه‌شان در پیشنهاد صلح و حکمیت قرآن قرار دارد. امام(ع) در زمینه معرفی خصائل خود تأکید بیشتری بر سابقه ایمان، همراهی با پیامبر(ص) و هدایتگری خود دارد که بیانگر لزوم اطاعت و فرمانبرداری از ایشان و اعتماد به گفته‌هایشان تحت هر شرایطی حتی در مقابل قرآن‌های بالای نیزه است. تحلیل مضامین این مجموعه از خطبه‌ها مشخص کرد که آن حضرت قبل از وقوع حادثه خطرآفرین حکمیت، در راستای آماده‌سازی سپاه جهت خنثی نمودن نقشه دشمن، روشنگری‌های لازم را بیان فرموده است. امام(ع) با تکرار مضامین مذکور، استفاده از اسلوب تأکید و به‌کارگیری صنعت طباق، کلام خود را در سطح بالاتری از تأثیرگذاری قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، جنگ صفین، حکمیت، نهج‌البلاغه، خطبه، تحلیل محتوای کیفی.

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۲. استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

دوره حکومتی امام(ع) با سه جنگ داخلی روبه‌رو بود که در این میان، جریان قاسطین مسأله اصلی حکومت ایشان بود و بدون از میان برداشتن آنان امکانی برای مبارزه با مشرکان و کفار وجود نداشت (صلواتی، ۱۳۷۹: ۱۱۲). در نتیجه امام(ع) در اولین فرصت بعد از فرونشاندن فتنه جمل، مقابله با آنان را در دستور کار خود قرار داد. قاسطین که از طلقاء (آزاد شدگان) و بعضی از فراریان، ناراضیان و کارگزاران عثمان تشکیل شده بودند، دارای روحیه حيله‌گری و نفاق بودند. آنان همواره تلاش داشتند با پنهان نگاه داشتن کفر باطنی، حکومت حضرت علی(ع) را ساقط کنند و خود زمام حکومت را در دست گیرند. در مراحل پایانی جنگ صفین و آستانه پیروزی امام(ع)، مهمترین شگردی که از آن بهره بردند، استفاده از پوشش دین و قرآن بود، با عنوان دین، به جنگ دین و با نام فرهنگ به جنگ فرهنگ پرداختند (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۳-۱۷۲). معاویه و عمروبن عاص پس از تحمل شکست‌های مکرر از سپاهیان اسلام به این نتیجه رسیدند که توان مقاومت در برابر امام علی(ع) را ندارند. از این‌رو، برای رهایی از جنگ و حفظ موقعیت موجود، نقشه بر بالای نیزه بردن قرآن‌ها را اجرا کرده و جریان حکمیت را به راه انداختند و سپاه امام فریب این نقشه آنان را خورده و نتیجه جنگ را به حکمیت سپردند (منقری، ۱۳۸۲: ۴۹۰-۴۷۸).

۱-۱. بیان مسئله

ماجرای «حکمیت» در سرزمین صفین از حوادث بی‌سابقه تاریخ اسلام به‌شمار می‌رود. از جمله پیامدهای دردآور حکمیت عبارتند از: «سلطه معاویه بر شامات و پیوستن همه فرمانداران و بخشداران آن حومه به او، تضعیف روحیه جهادگری در ارتش حضرت(ع) و فاصله گرفتن ایشان از پیروزی، تجدید قوای ارتش معاویه و غارتگری و تهدید امنیت منطقه، دو دستگی در میان ارتش عراق بین گروه موافق و مخالف حکمیت، ایجاد جنگ خوارج و در نهایت شهادت امام(ع) توسط یکی از باقی‌ماندگان جنگ خوارج» (سبحانی، ۱۳۸۷: ۸۶۵).

بنابراین با در نظر گرفتن این عواقب ناخوشایند حاصل از جریان حکمیت و نیز با وجود علم و بصیرت امام(ع) به باطن دشمن و اهداف شوم آنان، بعید به نظر می‌رسد که آن حضرت قبل از وقوع این جریان، در جهت روشنگری و آماده‌سازی سپاه برای دفع این فتنه و خنثی کردن نقشه شوم دشمن اقدام نکرده باشد. لذا این پژوهش بر آن است تا با تحلیل متن محور خطبه‌های امام(ع) با استفاده از رویکرد «تلخیصی» تحلیل محتوای کیفی، ارتباط و انسجام مضامین خطبه‌های ایشان قبل از شروع و حین نبرد صفین را با جریان حکمیت که در مراحل پایانی جنگ اتفاق افتاد، مورد تحلیل قرار دهد. از رهگذر این پژوهش به این سوالات پاسخ داده خواهد شد:

۱. آیا بین خطبه‌هایی که قبل و بعد از پیشنهاد حکمیت ایراد شده انسجام معنایی وجود دارد؟
۲. نقاط انسجام و پیوستگی مضامین خطبه‌های امام علی(ع) قبل و حین نبرد صفین با جریان حکمیت چگونه است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالب فراوانی در ضمن کتب تاریخی و خصوصاً مطالعات تاریخ اسلام، پیرامون جریان حکمیت و جزئیات مربوط به آن بیان شده است و غالباً خطبه‌های امام علی(ع) در آن برهه زمانی را برای استنادات تاریخی به کار برده‌اند ولی مضامین این خطبه‌ها را به روش تحلیل محتوایی و متن محور مورد مذاقه قرار نداده‌اند. البته در رابطه با نهج البلاغه، پژوهش‌هایی به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است که به‌عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

کتاب «اخلاق در نهج البلاغه؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی(ع) و معاویه» (۱۳۹۰) اثر محمد جانی‌پور که در آن، نویسنده با استفاده از روش تحلیل محتوا، به تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری امام علی(ع) از خلال کلام و گفتار ایشان پرداخته است.

مقاله «تحلیل مؤلفه‌های حکمت در نهج البلاغه با استفاده از تحلیل محتوا» (۱۳۹۰) نوشته بهرام رنجبریان که در آن ۲۳۸ مورد از سخنان کوتاه حکمت‌آمیز نهج البلاغه به روش مذکور مورد تحلیل قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده است که حکمت با اصول اخلاقی، آگاهی، ملاحظات اجتماعی و عمل رابطه دارد.

مقاله «بررسی دیدگاه غم و شادی در نهج البلاغه با تمرکز بر روش‌های شادی‌آفرین» (۱۳۸۶) نوشته اعظم مرادی که ایشان با روش تحقیق تحلیل محتوایی، روش‌هایی را که حضرت علی(ع) برای ایجاد شادی و نشاط و برطرف نمودن غم و اندوه توصیه نموده است در قالب سه دسته روش‌های شناختی، رفتاری و شناختی-رفتاری تقسیم‌بندی نموده است.

در پژوهش حاضر نیز در رابطه با موضوع حکمیت از همین روش تحقیق تحلیل محتوایی استفاده شده و برخلاف پژوهش‌های انجام گرفته که غالباً به بررسی و تحلیل تاریخی-سیاسی موضوع حکمیت پرداخته، به تحلیل محتوای خطبه‌های امام علی(ع) قبل از وقوع جریان حکمیت توجه شده است تا از این رهگذر میزان انسجام و هماهنگی سخنان ایشان با این جریان (قبل از وقوع آن) مشخص گردد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

مدیریت بحران، از طریق پیش‌بینی، آماده‌سازی افراد و رفع موانع جهت رویارویی و مقابله با آن بسیار حائز اهمیت است و بی‌تردید نحوه چنین مدیریتی در شرایط جنگ، خصوصاً اگر توسط رهبری آگاه و بصیر همچون امام علی(ع) و در رویارویی با دشمن فتنه‌انگیز و نیرنگ بازی همچون معاویه و عمروعاص باشد، ارزش و اهمیت دوچندانی می‌یابد؛ بنابراین تحلیل محتوای گفتار سنجیده و متناسب امام(ع) در چنین فضایی و چپش منطقی مضامین کلام ایشان در رابطه با مدیریت بحران حکمیت، می‌تواند سرلوحه رهبران جبهه حق در رویایی با جبهه باطل قرار گیرد.

۲. روش تحلیل محتوای کیفی و رویکردهای آن

تاریخ تحلیل محتوا، سیر تحول و گسترش روشی است که قرن‌ها پیش برای فهم اطلاعات مربوط به محیط زندگی، به شیوه‌های مختلف به کار رفته است. همزمان با گسترش زبان، انسان سعی داشته است

معنای مکالمات و مکاتبات را کشف کند و از این طریق واقعیت‌ها را بهتر بشناسد. از این‌رو سابقه تحلیل محتوا به قدمت فرهنگ و تمدن جوامع بشری است (محمدی‌مهر، ۱۳۸۷: ۱۵). با این حال اولین نامی که تاریخ تحلیل محتوا را واقعاً روشن می‌سازد، هارولد لاسول^۱، دانشمند برجسته آمریکایی علوم سیاسی و نظریه‌پرداز ارتباطات، است. او از سال ۱۹۱۵ تحلیل‌هایی از مطبوعات و تبلیغات به عمل آورد و در سال ۱۹۲۷ کتابی با عنوان «تکنیک‌های تبلیغات در دنیای جنگ» را منتشر کرد (باردن، ۱۳۷۴: ۱۰). با فعالیت‌های وی در نیمه اول قرن بیستم دامنه تحلیل محتوا از مطبوعات به رادیو و از حیطه‌های صرفاً ارتباطی به عرصه سیاست گسترش یافت. در اوایل نیمه دوم قرن بیستم، یعنی در سال ۱۹۵۲، تحلیل محتوا به‌عنوان یک روش علمی پایه‌گذاری شد. در این سال برنارد برلسون^۲، محقق مشهور آمریکایی، کتابی جامع به نام «تجزیه و تحلیل محتوا در تحقیقات ارتباطی» تألیف کرد (محمدی‌مهر، ۱۳۸۷: ۲۱). وی تحلیل محتوا را «تکنیکی تحقیقاتی برای توصیف عینی، نظام‌مند و کمی از محتوای آشکار پیام» معرفی کرد (همان: ۲۶).

از اواخر دهه ۵۰ میلادی ابداع زبان رایانه که خاصه برای پردازش داده‌های لفظی مناسب است، تحلیل حجم عظیم و مکرر داده‌ها را میسر کرده و به ابزار کمی مهمی برای تحلیل محتوا در رشته‌های گوناگون تبدیل شد. طی چند دهه، رشد نرم‌افزارهای رایانه‌ای، انقلابی در کار شاق پردازش متون پدید آورده و تحلیل محتوا را به روش علمی تحول یافته‌ای برای دستیابی به استنباط‌هایی دقیق از داده‌های کلامی نمادین و ارتباطی تبدیل کرد (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۳-۲۱). در ادامه توسعه روش تحلیل محتوای کمی و جهت رفع نقایص آن، تحلیل محتوای کیفی به وجود آمد که نسبت به روش کمی انعطاف بیشتری داشت.

در مورد روش تحلیل محتوای کیفی نیز تعاریف گوناگونی ارائه شده است. سیوفانگ^۳ و شانون^۴، از محققین حوزه علوم پرستاری، تحلیل محتوا را «روشی تحقیقی معرفی می‌کنند که برای تفسیر ذهنی داده‌های متنی از طریق یک فرایند طبقه‌بندی قاعده‌مند، مضامین یا الگوها را شناسایی و کدگذاری می‌کند» (ایمان، ۱۳۹۰: ۲۰). نجلا حریری نیز در تعریف این روش می‌گوید: «تحلیل محتوای کیفی روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به‌کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون حاصل از مصاحبه‌ها، یادداشت‌های روزانه، یادداشت‌های مشاهدات و یا اسناد می‌پردازد» (۱۳۸۵: ۲۶۴).

تحلیل محتوای کیفی، مزایای تحلیل محتوای کمی کلاسیک را حفظ کرده و از این‌رو شامل مراحل تحلیل کمی نیز می‌باشد. ترکیب روش‌های کمی و کیفی از آن جهت مفید است که چشم‌اندازی عمیق‌تر و دیدگاهی کلی‌تر نسبت به موضوع تحقیق ارائه می‌دهد. در واقع استفاده از روش‌های ترکیبی، به

1. Harold Lasswell
2. Bernard Berelson
3. Hsiu-Fang Hsieh
4. Sarah E. Shannon

پژوهشگران این امکان را می‌دهد که نسبت به نتایج تحقیق اطمینان بیشتری حاصل کرده و به نظرات منسجم‌تری دست یابند (پیربدایی، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۶).

براساس نظریه سیوفانگ و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی، ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار، ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی (ایمان، ۱۳۹۰: ۲۲). با توجه به این که در پژوهش حاضر از رویکرد تلخیصی تحلیلی محتوای کیفی استفاده شده، در ادامه به توضیح آن پرداخته شده است.

بهترین روش تحلیل محتوا، ترکیبی از دو رویکرد کمی و کیفی است. از آن‌جا که این رویکردها با یکدیگر سازگارند، می‌توان در یک فرایند تحلیل آنها را ترکیب کرد (مهرداد، ۱۳۹۴: ۱۲). رویکرد تلخیصی چنین روشی است. در این روش همانند تحلیل محتوای کمی، محقق به شمارش کلمات، جمله‌ها و مفاهیم می‌پردازد اما فرایند تحقیق در اینجا متوقف نشده و به جای تمرکز بر فراوانی داده‌ها و ارائه تحلیل‌های آماری از آنها، محقق توجه خود را به استفاده از کلمات در هر بافت خاص معطوف می‌کند. دنبال کردن این هدف، موجب می‌شود که همانند سایر تحقیقات کیفی، داده‌ها در بستر ظهورشان و در رابطه با سایر عوامل اثرگذار درک شوند. با تمرکز بر محتوای پنهان در تحلیل محتوای تجمعی، یافته‌های حاصل از شمارش داده‌ها با در نظر گرفتن عوامل گوناگونی تعدیل می‌شوند، از جمله این که چه معانی آشکار و پنهانی در استفاده از هر لغت یا مفهوم خاص، مدنظر است؟ هریک از لغات و مفاهیم در چه شرایطی به کاربرده شده یا نشده‌اند؟ چه زمانی استفاده مستقیم و یا غیرمستقیم آنها ترجیح داده شده است؟ چنین رهیافت تلفیقی که داده‌ها را شمارش می‌کند و نتایج حاصل از آن را با توجه به مقتضیات تحقیق مورد تفسیر قرار می‌دهد، به دنبال بهره بردن همزمان از مزایای تحقیق کمی و کیفی است (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۴).

چندین مرحله بایستی در فرایند انجام تحلیل محتوا طی شود: ۱. مشخص کردن مسأله پژوهش؛ ۲. تعیین سؤالات و اهداف و مشخص کردن رویکرد؛ ۳. تعریف و مشخص کردن متغیرها؛ ۴. نمونه‌گیری و انتخاب واحد تحلیل (واحد معنا) و زمینه؛ ۵. کدگذاری و مقوله‌بندی و ۶. تحلیل و استنباط نتایج و گزارش (مؤمنی‌راد، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

با توجه به موارد فوق، این پژوهش در صدد است به وسیله یکی از روش‌های متن‌پژوهی، با عنوان «روش تحلیل محتوای کیفی» و رویکرد «تلخیصی» آن، به تحلیل محتوای خطبه‌های امام علی (ع) قبل از شروع و حین نبرد صفین بپردازد. ابتدا داده‌های مورد نیاز تحقیق از کتاب «نهج البلاغه» و «نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه» اثر محمدباقر محمودی، جمع‌آوری شده است. سپس با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا (نرم‌افزار تخصصی تحلیل محتوای کیفی) کدگذاری و مقوله‌بندی مضامین انجام گرفته و مضامین مرتبط با جریان حکمیت در دو مقوله کلی «امام‌شناسی» و «دشمن‌شناسی» دسته‌بندی شده‌اند. در ادامه به بررسی و تحلیل این مقوله‌ها و زیر مقوله‌های مرتبط با آنها پرداخته شده است.

۳. مضامین مربوط به دشمن شناسی امام علی(ع)

نگرشی به حیات پربرکت حضرت علی(ع) به‌ویژه در دوران زمامداری، این واقعیت را نشان می‌دهد که آن حضرت بخش عظیمی از تلاش خود را به افشاگری و آشکار ساختن چهره دشمنان خود اختصاص داده است و در حقیقت مهمترین اقدام حضرت، برملا ساختن روش و تاکتیک دشمنان‌شان در عرصه مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۶۶). ایشان در رابطه با قاسطین نیز طی سخنرانی‌ها و افشاگری‌های متعدد، آنان را کینه‌جو، دشمنان دین اسلام، دشمنان قرآن و سنت نبوی، غوطه‌ور در ضلالت و گمراهی، فریبکار و نیرنگ‌باز، منکران سخن حق، دارای سوءسابقه، ستم‌پیشه و اهل فتنه و فساد معرفی می‌نماید.

جدول ۱: مضامین مربوط به دشمن شناسی (قبل از شروع نبرد صفین)

| مقوله/ فراوانی | مضمون | شاهد | سند |
|--------------------------------------|---|---|------------------------|
| کفر باطنی دشمن ----- ۵ | اسلام ظاهری دشمن | وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا اسْلَمُوا وَلَكِنْ اِسْتَسْلَمُوا | (کلام/۱۹۶) نهج السعادة |
| | بی‌تفاوتی اهل شام نسبت به امر و نهی الهی | وَأَمِىَ اللهُ اِنِّى لَأَسْمَعُ كَلَامَ قَوْمٍ مَا اَرَاهُمْ يُرِيدُونَ اَنْ يَعْرِفُوْا مَعْرُوفًا وَلَا يُنْكِرُوْا مُنْكَرًا. | (خطبه/۱۸۱) نهج السعادة |
| | دشمنی با خدا دشمنی با سنت و قرآن دشمنی با مهاجرین و انصار پیامبر(ص) | سیروا الى اعداء الله سیروا الى اعداء السُّنَنِ وَالْقُرْآنِ سیروا الى بَقِيَّةِ الْاَحْزَابِ، وَقَتْلَةِ الْمُهَاجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ. | (خطبه/۱۸۰) نهج السعادة |
| ظلم و جنگ‌طلبی اهل شام ----- ۲ | ظلم و طغیانگری معاویه و سپاهش | نَحْنُ سَائِرُونَ - اِنْ شَاءَ اللهُ - اِلَى مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَتَنَاوَلَ مَا لَيْسَ لَهُ وَمَا لَا يُدْرِكُهُ ، مُعَاوِيَةَ وَخِنْدَةَ الْفَيْتَةِ الْبَاغِيَةِ الطَّاعِيَةِ | (خطبه/۱۸۴) نهج السعادة |
| | شروع جنگ توسط دشمن | فَاِنَّ الْقَوْمَ قَدْ بَدَّوْكُمْ بِالظُّلْمِ، وَفَاتَحَوْكُمْ بِالْبَغْيِ، وَاسْتَقْبَلَوْكُمْ بِالْعُدْوَانِ... | (خطبه/۵۱) نهج البلاغه |
| گمراهی دشمن ----- ۳ | تسلط شیطان بر سپاه معاویه | يَقُوْذُهُمْ اِبْلِيسُ وَيَتَرَفَّقُ لَهُمْ بِبَارِقِ تَسْوِيْفِهِ وَيُدْلِيهِمْ بِغُرُورِهِ | (خطبه/۱۸۴) نهج السعادة |
| | بیان شکست حتمی گمراهان و طغیانگران | اَمَّا الدَّبْرَةُ فَاِنَّهَا عَلٰى الصَّالِحِيْنَ الْعَاصِيْنَ، ظَفَرُوا اَوْ ظَفِرَ بِهِمْ | (خطبه/۱۸۱) نهج السعادة |
| | گمراهی و هلاکت دشمن | اَلَا وَ اِنَّ مُعَاوِيَةَ قَادَ لَمَمَةً مِّنَ الْغَوَاةِ وَ عَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبَرَ حَتَّى جَعَلُوْا نُحُوْرَهُمْ اَعْرَافًا مِّنَ الْمَنِيَّةِ | (خطبه/۵۱) نهج البلاغه |

امام علی(ع) خطاب به سپاه، طبق مضامین ذکر شده در جدول ۱، از چهره اصلی معاویه و سپاهش پرده برمی‌دارد و ماهیت کفرآلود، اسلام‌ستیز، گمراه و جنگ‌طلب آنان را فاش می‌نماید. معاویه همراه پدرش، ابوسفیان در جنگ‌هایی که علیه مسلمین بر پا می‌شد شرکت می‌کرد و از ترس شمشیر ظاهراً به اسلام گرویده بود ولی در باطن در محو اسلام کوشش می‌کرد.

دانشمند مسیحی جرج جرداق در این رابطه گفته است: «اگر ما تقیید مسلمانان صدر اسلام را در انجام فرایض دینی و شهادت در راه این دین و دوری از نواهی الهی و ترس از انجام گناه و احترام عظیمی را که نسبت به اوامر و نواهی و دستورات پیامبر اسلام(ص) قائل بودند در نظر بگیریم، سپس لایابالی‌گری

معاویه را در برابر اعتراض بر اعمال ناشایسته او که مخالف فرمان پیغمبر(ص) و موجب شعله‌ور گشتن آتش در درون اوست بنگریم و نیز به مخالفت علنی وی نسبت به اراده پیامبر گرامی و ابطال عملی آن توجه کنیم، درمی‌یابیم که معاویه از شمار مسلمانانی نبود که دارای اعتقاد درونی و اخلاقی باشد. اعتقادی که او را به انجام اعمالی وادار و یا نهی کند. چنان‌که چون دیگر مسلمانان، به‌عنوان سرباز انقلابی اجتماعی و سیاسی که هدف آن اصلاح عمومی جامعه‌ای است که از دیر زمان، فردپرستی و عصیبت بر آن حکمفرما بوده، داخل جمعیت آنان نشد. برای او خواسته شخص خودش مطرح بود نه آن‌چه انقلاب می‌خواست» (جرداق، ۱۳۷۹: ۳۰). امام(ع) نیز به نیرنگ‌های معاویه و ساده‌لوحی گروهی از شامیان فریب خورده اشاره کرده و می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ مُعَاوِيَةَ قَادَ لَمَمَةً مِنَ الْغَوَاةِ وَعَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبَرَ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَغْرَا ضِ الْمَيِّتَةِ» (خطبه/۵۱).

در این گفتار از یک‌سو معاویه را معرفی می‌کند که بنیان حکومتش بر فریب و نیرنگ و بهره‌گیری از ساده‌لوحان بی‌خبر است و از سوی دیگر شامیان فریب خورده لشکر او را معرفی می‌نماید که آنها چنان شستشوی مغزی شده‌اند که حتی حاضرند جان خود را در طریق باطل و مقاصد شوم معاویه بر باد دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۵۷۷/۲).

به‌طور خلاصه، چنانکه در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، امام(ع) در معرفی دشمن، به گمراهی، اسلام ظاهری، ظلم و جنگ‌طلبی آنان اشاره می‌نماید که هر کدام از این موارد به‌تنهایی می‌تواند زمینه تهییج و تشویق هر چه بیشتر سپاه امام برای مقابله با چنین افرادی را آماده می‌سازد و در بیان این مضامین خصوصاً در اشاره به کفر باطنی معاویه و سپاهش با بهره‌گیری از اسلوب قسم، سخنان خویش را تأکید نموده است.

جدول ۲: مضامین مربوط به دشمن‌شناسی (هنگامه نبرد صفین)

| سند | شاهد | مضمون | مقوله / فراوانی |
|---------------------------|--|---------------------------------|--------------------------|
| (کلام/۲۱۵) نهج‌السعادة | وَ اللَّهُ لِأَقْرَبُ قَوْمٍ مِنَ الْجَهْلِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قَوْمٌ قَاتَلُوهُمْ وَ مُؤَدِّبُهُمْ مُعَاوِيَةُ وَ ... | چهل و گمراهی معاویه و اطرافیان | سابقه دشمن ----- ۵ |
| (کلام/۲۱۷) نهج‌السعادة | إِنَّكُمْ لَعَلَى حَقٍّ وَإِنَّهُمْ لَعَلَى بَاطِلٍ | تأکید بر بطلان سپاه معاویه | |
| (کلام/۲۱۷) نهج‌السعادة | فَدَعَلِمْتُمْ مَنْ رَأَيْتُمْ مُنَافِقُ ابْنِ مُنَافِقٍ يَدْعُوهُمْ إِلَى النَّارِ | نفاق و جنبه گمراه‌کنندگی معاویه | |
| (خطبه/۲۱۷) نهج‌السعادة | مُعَاوِيَةُ طَلِيقُ ابْنِ طَلِيقٍ | سابقه ننگین کفر معاویه | |
| (کلام/۲۱۵) نهج‌السعادة | فَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ قَدِيمًا مَا عَادَانِي | دشمنی دیرینه فاسقین با امام(ع) | |

| | الفاسِقُونَ | | |
|---------------------------|---|--|------------------------|
| (کلام/۲۱۵) نهج السعاده | وَ هُمْ أَوْلَاءُ يَفْقَهُونَ فَيَقْصِبُونَنِي وَ يَشْتَمُونَنِي وَ قَبْلَ الْيَوْمِ مَا قَاتَلُونِي وَ شَتَمُونِي ^۱ | دشنام و ناسزاگویی سپاه معاویه به امام علی(ع) | عملکرد غیر اسلامی دشمن |
| (کلام/۲۱۵) نهج السعاده | وَ هُمْ يَدْعُونَنِي إِلَى عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ | دعوت سپاه معاویه به بت‌پرستی | |
| (کلام/۲۱۵) نهج السعاده | إِنَّ هَذَا هُوَ الْخَطْبُ الْجَلِيلُ أَنْ فَسَاقًا... أَصْبَحُوا وَ قَدْ خَدَعُوا شَطْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ | فريب مسلمانان توسط فاسقين اسلام هراس (معاویه و اطرافيانش) | |
| (کلام/۲۱۵) نهج السعاده | فَأَشْرَبُوا قُلُوبَهُمْ حُبَّ الْفِتْنَةِ فَاسْتَمَالُوا أَهْوَاءَهُمْ بِالْإِفْكِ وَ الْبُهْتَانِ وَ قَدْ نَصَبُوا لَنَا الْحَرْبَ | فتنه‌انگیزی، رواج دروغ و بهتان و جنگ‌افروزی معاویه و اطرافيانش | |
| (کلام/۲۱۵) نهج السعاده | وَ جَدُّوا فِي إِطْفَاءِ نَوْرِ اللَّهِ | تلاش معاویه و اطرافيانش برای از بین بردن نور خدا | |
| (کلام/۲۰۵) نهج السعاده | أَلَا وَإِنَّ مِنْ أَعْجَبِ الْعَجَائِبِ أَنْ مَعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ، وَعَمْرُو بْنُ الْعَاصِ السَّهْمِيِّ أَصْبَحَا يُحَرِّضَانِ النَّاسَ عَلَى الدِّينِ يَزْعَمُهُمَا | عوام فريبی معاویه و عمرو بن عاص در دعوت ظاهری به دين اسلام | |
| (خطبه/۲۲۲) نهج السعاده | وَ قَدْ صَبَّرَ لَكُمْ الْقَوْمُ عَلَى غَيْرِ دِينٍ حَتَّى بَلَّغْنَا مِنْهُمْ مَا بَلَّغْنَا | لجاجت و ايستادگی دشمن با هدف غيردينی | |
| (کلام/۲۱۵) نهج السعاده | وَاللَّهِ مَتَمَّ نَوْزَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ | نافرجام ماندن تلاش کافران برای از بین بردن نور خدا | فرجام دشمن خداوند ۱ |

امام(ع) هنگامهٔ نبرد نیز در جهت بصیرت‌افزایی سپاه و جدیت آنها در مقابله با اهل شام، به خصلت‌های منفی معاویه و سپاهش اشاره می‌نماید. این نکته قابل توجه است که آن حضرت در هر دو مرحلهٔ نبرد (قبل و حین نبرد) بر روی ویژگی‌های خاصی از دشمن تأکید دارد. ویژگی بارز اول اسلام ظاهری و کفر باطنی معاویه و اطرافیانش است که مضامینی مانند دشمنی با خداوند، دشمنی با سنت و قرآن، بی‌توجهی به امر و نهی الهی، دعوت به بت‌پرستی در ذیل آن قرار می‌گیرند. خصوصیت دیگر دشمن که در هر دو مرحله در کلام امام(ع) مشهود است، ظلم و ستیزه‌جویی آنهاست. این ویژگی اخلاقی-رفتاری در راستای کفر و اهداف اسلام‌ستیزانهٔ آنان بوده و مضامین مربوط به جدیت و مقاومت آنها برای خاموش کردن نور الهی و دیگر اهداف غیردینی آنها تحت همین مفهوم کلی قرار می‌گیرد؛ بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت تمامی اعمال و رفتار ظالمانهٔ دشمن به نوعی ریشه در بی‌اعتقادی یا سستی ایمان آنها دارد. ویژگی سوم که امام(ع) در حین نبرد بر روی آن تأکید دارد، جنبه‌های گمراه‌کنندگی معاویه و به عبارت بهتر دروغ و نیرنگ معاویه و طرفدارانش است که همچون ویژگی‌های منفی دیگر آنها، ریشه در گمراهی و بی‌ایمانی دارد.

۱. علی(ع) در صفین بر گروهی از شامیان که ولید بن عقبه نیز با آنان بود گذشت و این افراد (پس از عبور او) بر او ناسزا گفتند و از او عیب‌گویی کردند، چون این خبر را به امام رساندند وی در میان یاران خویش ایستاد و در ضمن خطبه تأثیرگذاری به نکوهش این رفتار زشت و ناپسند آنان پرداخت (منقري، ۱۳۸۲: ۳۹۱).

در مورد نحوه بیان این خصلتها و مضامین مربوط به آنها نکته قابل توجه این است که امام(ع) غالباً در بیان اسلام ظاهری معاویه و اطرافیانش که یک ویژگی اعتقادی محسوب می‌گردد، از افعال مضارع و جمله‌های اسمیه بهره جسته است که دلالت بر ثبوت و استمرار بی‌ایمانی آنان دارد. با توجه به این موارد می‌توان گفت امام علی(ع) این ویژگی اعتقادی را جزو ذات و ماهیت واقعی آنها به‌شمار آورده است؛ به‌عنوان نمونه ایشان در مورد گمراهی و اسلام ظاهری معاویه و اطرافیانش بیان می‌دارد: «وَأَيُّمُ اللَّهُ إِنِّي لَأَسْمَعُ كَلَامَ قَوْمٍ مَا أَرَاهُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يَعْرِفُوا مَعْرُوفًا وَلَا يُنْكِرُوا مُنْكَرًا» (خطبه ۱۸۱/نهج السعادة)، «يَقُودُهُمْ إِبْلِيسُ وَيَبْرِقُ لَهُمْ بَارِقُ تَسْوِيفِهِ وَيُدْلِيهِمْ بِغُرُورِهِ» (خطبه ۱۸۴/نهج السعادة)، «أَمَا الدَّيْبَةُ فَإِنَّهَا عَلَى الضَّالِّينَ الْعَاصِينَ، ظَفَرُوا أَوْ ظَفِرَ بِهِمْ»، «وَهُمْ يَدْعُونَنِي إِلَى عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ» (کلام ۲۱۵/نهج السعادة).

بنابراین امام(ع) علاوه بر افشای سابقه کفر و نفاق معاویه و پدرش در عبارات «مُنَافِقُ ابْنِ مُنَافِقٍ» و «طَلِيقُ ابْنِ طَلِيقٍ» در خطبه ۲۱۷ نهج السعادة، اسلام کنونی آنان را، خصوصاً در برهه‌ای که داعیه حکومت بر امت پیامبر(ص) را دارند، کاملاً دروغین و منفعت طلبانه معرفی کرده و با تکرار این مضمون و به‌کارگیری اسلوب قسم و جمله اسمیه بر آن تأکید می‌نماید. چنانکه در خطبه دیگری نیز ماهیت کفرآمیز آنان را با تأکید و این چنین افشا می‌نماید: «وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَلَكِنْ إِسْتَسْلَمُوا وَأَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا عَلَيْهِ أَعْوَانًا رَجَعُوا إِلَى عَدَاوَتِهِمْ لَنَا إِلَّا أَنَّهُمْ لَمْ يَزْكُوا الصَّلَاةَ» (کلام ۱۹۶/نهج السعادة).

این در حالی است که آن حضرت در بیان جنگ‌طلبی آنان، برخلاف ویژگی کفر باطنی، غالباً از افعال ماضی استفاده نموده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به این جملات امام(ع) اشاره نمود: «فَإِنَّ الْقَوْمَ قَدْ بَدَّوْكُمْ بِالظُّلْمِ، وَفَاتَحَوْكُمْ بِالْبَغْيِ، وَأَسْتَقْبَلُوكُمْ بِالْعُدْوَانِ...» (خطبه ۵۱/نهج البلاغه)، «فَأَشْرَبُوا قُلُوبَهُمْ حُبَّ الْفِتْنَةِ فَاسْتَمَالُوا أَهْوَاءَهُمْ بِالْإِفْكِ وَ الْبُهْتَانِ وَ قَدْ نَصَبُوا لَنَا الْحَرْبَ» (کلام ۲۱۵/نهج السعادة)؛ یعنی معاویه و اطرافیانش، متناسب با شرایط و اهداف شوم خود دست به جنگ‌افروزی می‌زنند و یا جنگی را که خود آتش آن را برافروخته‌اند تا زمانی ادامه می‌دهند که در راستای تأمین منافع آنان باشد.

براساس مطالب گفته شده، یعنی تأکید امام(ع) بر کفر باطنی معاویه و طرفدارانش و پایبند بودن آنان بر این امر و جنگ‌طلبی آنان به‌صورت مقطعی و متناسب با منافع خودشان، می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه و تحت هر شرایطی چنین دشمنی با چنین خصوصیتی در حین نبرد پیشنهاد صلح دهد، به هیچ‌وجه در اندیشه منافع مسلمانان و پیشبرد اهداف اسلام نیست. دشمن در این شرایط به دنبال تحقق منافع قدرت‌طلبانه خویش بوده و متمسک شدن به مقدسات اسلام از جمله قرآن، جز از روی مکر و نیرنگ نمی‌تواند صورت بگیرد. در دیدگاه امام(ع) دعوت معاویه به دین اسلام از عجیب‌ترین امور شمرده می‌شود: «لَا وَ إِنَّ مِنْ أَعْجَبِ الْعَجَائِبِ أَنَّ مَعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ وَ عَمْرُو بْنَ الْعَاصِ السَّهْمِيِّ أَصْبَحَا يُحْرِضَانِ النَّاسَ عَلَى الدِّينِ بِرَعْمِهِمَا» (کلام ۲۰۵/نهج السعادة).

در مضامین خطبه‌های قبل از حکمیت، مکر و نیرنگ به‌عنوان یکی دیگر از صفات دشمن به‌صورت تلویحی و گذرا بیان شده است؛ ولی پس از مطرح‌شدن موضوع حکمیت، متناسب با اقتضای شرایط، سهم بیشتری از مضامین سخنرانی‌های امام(ع) را به خود اختصاص داده که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

جدول ۳: مضامین مربوط به دشمن‌شناسی هنگام مطرح‌شدن حکمیت

| سند | شاهد | مضمون | زیرمقاله / فراوانی |
|------------------------|--|---|-------------------------------------|
| (کلام/۲۲۶) نهج السعاده | أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّهُمْ قَدْ كَادُواكُمْ وَ أَنَّهُمْ لَيَسُوا الْعَمَلِ بِالْقُرْآنِ يُرِيدُونَ | مکر و حیله دشمن در بالا بردن قرآن‌ها | مکر و فریب دشمن ----- ۳ |
| (کلام/۲۲۵) نهج السعاده | وَاللَّهِ مَا رَفَعُوها أَنَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا وَ يَعْمَلُونَ بِهَا، وَلَكِنَّها الْخَدِيعَةُ وَ الْوَهْنُ وَ الْمَكِيدَةُ | | |
| (کلام/۲۲۵) نهج السعاده | إِنَّها كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِها باطِلٌ | سوءاستفاده دشمن از کلام قرآن | سابقه خبث طینت معاویه ----- ۱ |
| (کلام/۲۲۵) نهج السعاده | إِنِّي أَعْرِفُ بِهِمْ مِنْكُمْ، صَحْبَهُمْ أَطْفَالاً وَ صَحْبَهُمْ رِجَالاً فَكَانُوا شَرَّ أَطْفَالٍ وَ شَرَّ رِجَالٍ | بیان حال و سابقه ننگین معاویه و اطرافیانش | |
| (کلام/۲۲۵) نهج السعاده | وَ لَكِنَّ مَعَاوِيَةَ وَ عَمْرُو بْنَ الْعَاصِ وَ ابْنَ أَبِي مُعَيْطٍ وَ ابْنَ أَبِي سَرْحٍ وَ حَبِيبَ ابْنِ مَسْلَمَةَ، لَيَسُوا بِأَصْحَابِ دِينٍ وَ لَا قُرْآنٍ | بیگانه بودن معاویه و اطرافیانش با دین و قرآن | کفر معاویه ----- ۲ |
| (کلام/۲۲۶) نهج السعاده | فَإِنَّهُمْ قَدْ عَصَوْا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَهُمْ وَ نَقَضُوا عَهْدَهُ وَ تَبَدَّوا كِتَابَهُ | مخالفت دشمن با اوامر الهی و قرآن | |

در این مضامین، امام(ع) خطاب به سپاه با ذکر اسامی سردمداران سپاه دشمن از جمله معاویه، عمروعاص، ابن ابی معیط، ابن ابی سرح و حبیب بن مسلمه بیگانه بودن آنان با دین و قرآن و عصیانگری آنان در برابر فرامین الهی را، چنان‌که قبلاً در موارد زیادی به این ویژگی دشمن اشاره کرده، یادآور می‌گردد و سپس با این مقدمه، اقدام آنها در بر سر نیزه کرده قرآن را کاملاً عوام‌فربانه و زیرکانه معرفی می‌نماید. سخنان امام در این رابطه با کاربرد قسم، «إِنَّ» و «قَدْ» مورد تأکید قرار گرفته است.

در مجموع، با بررسی کلیه مضامین امام در این رابطه مشخص می‌شود که این مضامین که از قبل شروع نبرد توسط امام(ع) مطرح گردیده و در حین نبرد و جریان حکمیت توسط امام(ع) ادامه داشته، نه تنها هیچ تناقضی با یکدیگر ندارند، بلکه از انسجام کامل و پیوستگی خاصی برخوردارند و مسلماً اگر سپاه امام(ع) به روشنگری‌های ایشان که در قالب این مضامین والا برایشان عنوان شده، توجه می‌نمودند، به‌هیچ‌وجه دچار مکر و نیرنگ عمروعاص نشده و موجبات دگرگونی مسیر سرنوشت اسلام را فراهم نمی‌آوردند.

۴. مضامین مربوط به امام‌شناسی

امام(ع) در جنگ‌ها و در راستای بصیرت‌افزایی سپاهیان، به موازات معرفی دشمن به اثبات شایستگی و لیاقت خود برای حکومت بر جامعه اسلامی اقدام نموده است. در حقیقت این سیاست به این منظور

انجام می‌شود که در کنار تبیین نقاط منفی، ضعف و نقص دشمن، نقاط مثبت و قوت نیروهای خودی نیز به اثبات برسد تا از این رهگذر، شایستگی حق برای رسیدن به حکومت و حقیقت محرز شود (ستوده‌نیا، ۱۳۹۱: ۴۴). همچنین سپاه با شناخت هرچه بیشتر رهبر و فرمانده خود به عنوان امام و جانشین پیامبر(ص)، با جدیت تمام جهت دفع فتنه‌های دشمن از ایشان فرمانبرداری کرده و با همراهی امام خود موجبات پیروزی حق بر باطل و رشد و شکوفایی اسلام را فراهم سازند. در ادامه پژوهش حاضر، مضامین سخنرانی‌های امام(ع) در این رابطه و در سه مرحله قبل از شروع جنگ صفین، حین نبرد و در جریان حکمیت در قالب جداول جداگانه ارائه و سپس مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا در نهایت ارتباط آن مضامین با یکدیگر و همچنین ارتباط آنها با بحث دشمن‌شناسی روشن‌تر گردد.

جدول ۴: مضامین مربوط به امام‌شناسی (قبل از شروع جنگ)

| مقوله / فراوانی | مضمون | شاهد | سند |
|-----------------------|--|--|------------------------|
| صلح‌طلبی | صلح‌طلبی امام(ع) | لا أَفْعَلُ مَا فَعَلَهُ الْجَاهِلُونَ سَتَعْرَضُ عَلَيْهِمْ كِتَابُ اللَّهِ وَ نَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى ... | (کلام/۱۹۹) نهج السعادة |
| | | إِنَّ اسْتِعْذَادِي لِحَرْبِ أَهْلِ الشَّامِ وَ حَرِيرٌ عِنْدَهُمْ إِغْلَاقٌ لِلشَّامِ وَ صَرْفٌ لِأَهْلِهِ عَنْ خَيْرٍ إِنَّ أَرَادُوهُ | (خطبه/۴۳) نهج البلاغه |
| | تأخیر امام(ع) در شروع جنگ با وجود شجاعتش | أَمَّا قَوْلُكُمْ أَمْكَلُ ذَلِكَ كِرَاهِيَةَ الْمَوْتِ قَوْلَ اللَّهِ مَا أَبَالِي دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أَوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَيَّ | (خطبه/۵۵) نهج البلاغه |
| ۶ | اصرار سپاه برای جنگ و عدم شتاب‌زدگی امام در شروع جنگ | فَتَدَاكُوا عَلَيَّ تَدَاكَ الْإِبِلُ الْهَيْمِ يَوْمَ وَرَدَهَا وَ ... حَتَّى طَنَنْتُ أَنَّهُمْ قَاتِلِي أَوْ بَعْضُهُمْ قَاتِلُ بَعْضٍ لَدَيَّ | (خطبه/۵۴) نهج البلاغه |
| جنگ به‌خاطر حفظ اسلام | تأخیر امام در شروع جنگ به امید هدایت دشمن | وَ أَمَّا قَوْلُكُمْ شَكَا فِي أَهْلِ الشَّامِ فَرَأَى اللَّهُ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِي بِي وَ تَعُشُوْا إِلَيَّ ضَوْئِي ... | (خطبه/۵۵) نهج البلاغه |
| | به تأخیر انداختن جنگ با وجود تمام شدن حجت | وَ لَكِنْ قَدْ وَفَّقْتُ لِحَرِيرٍ وَقْتًا لَا يُتِيمُ بَعْدَهُ إِلَّا مَخْدُوعًا أَوْ غَاصِبًا وَ الرَّأْيُ عِنْدِي مَعَ الْأَنَانَةِ فَأَرُوْا | (خطبه/۴۳) نهج البلاغه |
| ۲ | جنگ به‌خاطر حفظ دین خدا و عدم مجازات الهی | وَ قَدْ قَلْبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنَهُ وَ ظَهَرَهُ حَتَّى مَنَعَنِي التَّوَمُ فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْغِينِي إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) ... | (خطبه/۵۴) نهج البلاغه |
| | جنگ به‌خاطر حفظ ایمان | وَ لَقَدْ صَرَنْتُ أَنْفَ هَذَا الْأَمْرِ وَ عَيْنَهُ وَ قَلْبْتُ ظَهْرَهُ وَ بَطْنَهُ فَلَمْ أَرِ فِيهِ إِلَّا الْقِتَالَ أَوْ الْكُفْرَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) | (خطبه/۴۳) نهج البلاغه |

۱. این فراز به‌خوبی سیاست صلح‌جویانه امام را بازگو می‌کند، زیرا امام در شرایطی این نیت خیرخواهانه را در مقابل دشمنانش اظهار می‌کند که سپاهش به فرماندهی مالک اشتر آب فرات را از انحصار سپاه شام در آورده و بر آن تسلط یافته است ولی امام(ع) پس از این پیروزی، آب را بر روی هر دو سپاه باز گذاشته و اهل شام را با دعوت به کتاب خدا و راه هدایت برای استقرار صلح سوق می‌دهد (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸: ۲۱۰/۲-۲۰۹).

صلح‌طلبی امام علی با آنچه که دیگر سیاستمداران تظاهر می‌کنند، تفاوت جدی دارد. اگر معاویه در شرایط خاصی دم از صلح می‌زند و حکمیت قرآن را می‌پذیرد، به دلیل ایمان او به صلح نیست؛ زیرا صلح و استقرار ثبات در حکومت امام علی او را به شدت متضرر خواهد ساخت؛ اما صلح‌خواهی امام از آن رو اهمیت دارد که نه به‌عنوان یک تاکتیک بلکه در قالب یک استراتژی کلان تدوین می‌گردد. سیاستی راهبردی و استراتژیک که مبتنی بر مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های ذهنی است، به‌سادگی قابل چشم‌پوشی نیست و نمی‌توان آن را با ملاحظات سطحی و غیر مهم جایگزین کرد. صلح‌طلبی امام علی نه از روی ظاهرسازی است و نه از سر درماندگی، بلکه به دلیل باور عمیق ایشان به این مقوله است (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۲).

البته این نکته را باید مَطْمَح نظر داشت که اگر اسلام مذاکره و برقراری صلح را به مثابه یک «اصل ابتدایی» پیشنهاد می‌کند، گروهی از دشمنان را که به مرحله لجاجت و عناد رسیده و حاضر به پاک کردن سابقه سوء خود نیستند، قابل مذاکره و صحبت نمی‌داند. چنانکه روش حضرت نیز در مقابل این مخالفان، ابتدا نرمش و مدارا بود، اما هنگامی که تمام راه‌های مسالمت‌آمیز بسته شد، برای خاموش کردن فتنه‌ای که آنان ایجاد کرده بودند با قاطعیت اقدام نمود چرا که عدم‌مقابله با سپاه معاویه در دیدگاه امام(ع) به منزله انکار اسلام و کتاب خداوند تلقی می‌شد.

امام علی(ع) برخلاف سیاستمداران غیردینی که منافع را معیار جنگ و صلح می‌دانند، جز یک معیار نمی‌شناسد و آن رضایت خداوند است (نامه ۵۳/نهج‌البلاغه). از این رو امام در هر شرایطی که رضایت خداوند را برای جنگ یا صلح محقق بدانند، هر چند به لحاظ شخصی برای او زیان‌بار باشد، از آن استقبال می‌کند. امام(ع) در همه حال، حتی در شرایط برتری نظامی خود، از کشتار و جنگ نفرت دارد و از صلح و مذاکره استقبال می‌نماید (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۹).

جدول ۵: مضامین مربوط به امام‌شناسی (هنگامه نبرد صفین)

| سند | شاهد | مضمون | زیر مقوله / فراوانی |
|---------------------------|---|---|---|
| (کلام/۲۱۵) نهج‌السعادة | وَأَنَا إِذْ ذَاكَ أَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ | تلاش امام برای هدایت سپاه معاویه | بیان رویکرد خود بعد از وفات پیامبر(ص) (هدایتگری، عدالت) ----- ۵ |
| (خطبه/۲۱۷) نهج‌السعادة | وَ ابْنُ عَمِّ نَبِيِّكُمْ مَعَكُمْ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ يَدْعُوكُمْ إِلَى (الْجَنَّةِ وَ إِلَى) طَاعَةِ رَبِّكُمْ وَ يَعْمَلُ بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ | بیان هدایتگری و پیروی وی از سنت پیامبر(ص) | |
| (کلام/۲۰۵) نهج‌السعادة | نَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ (إِلَى) جِهَادِ عَدُوِّهِ وَ الشَّدَّةِ فِي أَمْرِهِ وَ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ ... | دعوت اهل بیت(ع) به دستورات اسلام | |
| (کلام/۲۰۵) نهج‌السعادة | نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَقَوْلُنَا الصِّدْقُ، وَفَعَلْنَا الْقَصْدَ | بخشش، صداقت و اعتدال اهل بیت(ع) | |
| (خطبه/۲۲۲) نهج‌السعادة | وَ أَنَا غَادٍ عَلَيْهِمْ بِالْعَدَاةِ أَحَاكُمُهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ | داوری خدامحور امام(ع) | |
| (کلام/۲۰۵) نهج‌السعادة | ... وَلَقَدْ وَلَّيْتُ غُسْلَهُ بِيَدِي وَحَدِيثِي تُقَلِّبُهُ الْمَلَائِكَةُ | غسل پیامبر(ص) توسط | |

| خویش با پیامبر(ص) | امام(ع) | المَقْرَبُونَ مَعِيَ | نهج السعاده |
|-------------------|--|---|---------------------------|
| ----- ۵ | فرمانبرداری همیشگی امام(ع) از پیامبر(ص) | وقد علمتم أنني لم أخالف رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآله وسلّم قطّ ... | (کلام/۲۰۵) نهج السعاده |
| | انتساب اهل بیت(ع) به پیامبر(ص)، رهبران اسلام و قاریان قرآن | ومنا خاتم النبیین وفينا قادة الإسلام ومنا قرأ الكتاب | (کلام/۲۰۵) نهج السعاده |
| | بیان سابقه ایمان خویش با بیان همراهی خویش با پیامبر(ص) | فلا سواء من صَلَّى قَبْلَ كُلِّ ذِكْرٍ، لَمْ يَسْبِقْنِي بِصَلَاتِي مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْدْرِ ... | (خطبه/۲۱۷) نهج السعاده |
| | استناد به فرمایش پیامبر(ص) برای امامت و برتری نظامی خویش | وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ... فَقَالَ: «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفِقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» وَ قَالَ: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ بْنِ مُوسَى غَيْرَ أَنَّ لِي نَبِيَّ بَعْدِي وَ مَوْتُكَ وَ حَيَاتُكَ يَا عَلِيُّ مَعِيَ» ... | (خطبه/۲۱۷) نهج السعاده |

امام علی(ع) در حین نبرد بخشی از سخنان خود را به بیان جنبه‌های رحمت و هدایت‌گری خویش به‌عنوان امام و جانشین پیامبر(ص) اختصاص داده است. در حقیقت با توجه به برخوردار بودن امام(ع) از عصمت و تعلق ایشان به خاندان رسالت، هدایت‌گری و سوق دادن انسان‌ها به سوی خداوند متعال، وجه غالب سیره دینی-سیاسی آن حضرت به‌شمار می‌آید؛ به عبارت دیگر رویکرد کلی حاکم بر سیره آن حضرت، نقش هدایت‌گری است. علاوه بر آن، امام در معرفی جایگاه خویش به سابقه ایمان و ارتباط بسیار نزدیک خود با پیامبر(ص) در امور سیاسی، دینی و شخصی اشاره نموده است. ویژگی‌هایی که حضرت بدان اشاره می‌فرماید، فقط به ایشان منحصر بوده و وی را شایسته امامت و رهبری بر امت پیامبر(ص) می‌سازد و چنان‌که در مضامین جدول ۵ مشاهده می‌شود، آن حضرت با کاربرد اسلوب تأکید، بر انحصار این ویژگی‌ها به خویش و سایر اهل بیت (علیهم‌السلام) تأکید می‌نماید.

طبق این مضامین، امام(ع) بر این موضوع تأکید دارد که شخصی با چنین سابقه ایمان و خدمت مجدانه در راه اعتلای اسلام شایسته و سزاوار پیروی است و در هیچ شرایطی احتمال پشت کردن او به حکم قرآن و خیانت او در حق مسلمانان وجود ندارد. علاوه بر این، این نکته نیز قابل توجه است که مضامین امام در معرفی خویش درست در مقابل مضامین دشمن‌شناسی ایشان قرار دارد. به عبارت بهتر سابقه کفر در مقابل سابقه ایمان، سابقه اسلام ستیزی در مقابل سابقه اسلام گستری، مکر در مقابل صداقت و گمراه‌کنندگی در مقابل هدایت‌گری قرار گرفته است.

تقابل‌های موجود در خطبه‌های نهج البلاغه بیشتر به همراه عوامل دیگری همچون عامل آوایی سجع و عامل واژگانی تکرار دیده می‌شود. همه این موارد در کنار یکدیگر، متن را در سطح بالاتری از تأثیرگذاری قرار می‌دهد. کارکردهای تقابل در مضامین امام به این شکل دیده می‌شوند:

«وَ أَنَا إِذْ ذَاكَ أَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ هُمْ يَدْعُونَنِي إِلَى عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ» (کلام ۲۱۵/نهج السعاده).

«... مُنَافِقُ ابْنِ مُنَافِقٍ يَدْعُوهُمْ إِلَى النَّارِ، وَ ابْنُ عَمِّ نَبِيِّكُمْ مَعَكُمْ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ يَدْعُوكُمْ إِلَى (الْجَنَّةِ وَ إِلَى) طَاعَةِ رَبِّكُمْ وَ يَعْمَلُ بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ» (خطبه ۲۱۷/نهج السعاده).

«وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ بَدْرِ وَ مُعَاوِيَةُ طَلِيقُ ابْنِ طَلِيقٍ وَ اللَّهُ إِنَّكُمْ لَعَلَى حَقٍّ وَ إِنَّهُمْ لَعَلَى باطِلٍ» (خطبه ۲۱۷/نهج السعاده).

پژوهندگان بر این باورند که به لحاظ معنایی، وجود چنین تقابلهایی در خطبه‌های امام(ع) فضای خطبه‌ها را به تقابلی کلی‌تر و رویارویی خیر و شر تبدیل کرده است. جبهه‌ای که در یک سوی آن، واژگان سفید و در سوی دیگر واژگان سیاه قرار دارند. یک سو جبهه حق قرار دارد و در مقابل جبهه شر، در یک جهت مؤمنین و پرهیزگاران دیده می‌شوند و در سوی دیگر منافقان و فاسقان، در یک سو خدا است و دوستان او و در سوی دیگر شیطان و پیروان او، در یک طرف دنیای فانی و دنیاپرستان و در سوی دیگر دنیای باقی و امیدواران به آن قرار دارد (۱۳۹۱: ۴۲-۴۱).

علاوه بر کارکرد تأثیرگذار صنعت طباق در کلام امام(ع)، تأکید ایشان بر ویژگی‌های خاص و تکرار آن به دفعات می‌تواند بیانگر اهمیت زیاد آن باشد. در این رابطه باید گفت که با پیش فرض قرار دادن اینکه حضرت علی(ع) از جمله فصحا و ادبای عصر خود بوده و کلمات ایشان بهترین مدعا بر این مطلب است، لذا از اطالۀ کلام و زیاده‌گویی پرهیز نموده و با کلماتی مختصر و کوتاه و در عین حال، بلیغ، دریایی از معانی را برای مخاطب خود گشوده است (جانی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۵۸)؛ بنابراین، باید گفت که آنچه در این پژوهش در قالب جداول و نمودارهای کمی بیان شده است، بیانگر میزان اهمیت آن موضوع از دیدگاه امام(ع) بوده و به تناسب شرایط و در ارتباط با حوادث آن برهه زمانی گفته شده است.

میزان اهمیت تکرار این مضامین و ارتباط آنها با یکدیگر، در جریان حکمیت به روشنی آشکار می‌گردد^۱ و آن زمانی است که سپاه بین پیشنهاد صلح دشمن و دستور امام به ادامه نبرد، باید یکی را برگزینند. این جاست که باید با توجه به روشنگری‌های امام در رابطه با ایمان و هدایتگری خویش و کفر و گمراه‌کنندگی معاویه و اطرافیان، تصمیم درست را اتخاذ نمایند. امام(ع) با وجود تمامی روشنگرهای خویش قبل از جریان حکمیت، در زمان مطرح شدن مسئله صلح از جانب دشمن بار دیگر تقابل این سیاست عوام‌فریبانه اموی با سیاست حق مدار خویش را به شکل کاملاً شفاف و به همراه مستندات عملکرد آنان در گذشته و حال و با لحن تندتری نسبت به گذشته، گوشزد می‌نماید:

۱. علاوه بر مطالب گفته شده، مواردی که کاربرد این مضامین متناسب با آگاهی امام از مکر و فریب معاویه در طرح نقشه بالا بردن قرآن در انتهای جنگ و جریان حکمیت را تقویت می‌کند عبارتند از:

۱. امام(ع) قبل از شروع جنگ صفین و حتی حین جنگ، وعده پیروزی به سپاه خویش نداده است. این در حالی است که قبل از جنگ جمل، شکست اصحاب جمل و خنثی شدن نقشه آنان را پیش‌بینی نموده بود؛ «وَاللَّهِ لَوْ ظَفَرُوا بِمَا أَرَادُوا - وَلَنْ يَنَالُوا» «ذَلِكَ أَمَدٌ - لِيُضْرِبَ أَحَدُهُمَا عِقْ صَاحِبَهُ بَعْدَ تَنَازُعٍ مَهْمَا شَدِيدٍ ... وَاللَّهُ لَيَقْتُلُنَّ ثَلَاثَهُمْ (طلحه) وَلِيُهْرَبُنَّ ثَلَاثَهُمْ (زبیر)، لِيَتَوْبُنَّ ثَلَاثُهُمْ (عائشه)» (خطبه/۷۶ نهج السعاده).

۲. امام(ع) قبل از جنگ صفین با بهره‌گیری از تعالیم قرآن فرموده است: «أَمَّا الدَّبْرَةُ فَإِنَّهَا عَلَى الضَّالِّينَ الْعَاصِينَ، ظَفَرُوا أَوْ ظَفَّرَ بِهِمْ» (خطبه/۱۸۱ نهج السعاده). روحیه سپاه را این‌گونه تقویت کرده بود که در صورت شکست یا پیروزی ظاهری دشمن به هر حال پیروزی واقعی متعلق به مسلمانان است و در واقع به‌طور ضمنی آنان را برای شکست آماده کرده است.

«وَبِحُكْمِ أَنَا أَوَّلُ مَنْ دَعَا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ أَوَّلُ مَنْ أَجَابَ إِلَيْهِ... إِنِّي إِنَّمَا أَقَاتِلُهُمْ لِيَدِينُوا بِحُكْمِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّهُمْ قَدْ عَصَوْا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَهُمْ وَ نَقَضُوا عَهْدَهُ وَ نَبَذُوا كِتَابَهُ وَ لَكِنِّي أَعَلَمْتُكُمْ أَنَّهُمْ قَدْ كَادُواكُمْ وَ أَنَّهُمْ لَيْسُوا بِالْعَمَلِ بِالْقُرْآنِ يُرِيدُونَ» (کلام ۲۲۶/نهج السعاده).

«عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي أَحَقُّ مِنَ أَجَابِ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ مَعَاوِيَةَ وَ عَمْرُو بْنَ الْعَاصِ وَ ...، لَيْسُوا بِأَصْحَابِ دِينٍ وَ لَا قُرْآنٍ... فَكَانُوا شَرَّ أَطْفَالٍ وَ شَرَّ رِجَالٍ» (کلام ۲۲۵/نهج السعاده).

نکته قابل ملاحظه این است که حضرت، با توجه به تمسک دشمن به قرآن، در تمامی مضامین مربوط به معرفی معاویه و اطرافیان، بیشتر بر ویژگی ضد دینی و قرآنی آنان اشاره می‌نماید و در مقابل از میان تمام ویژگی‌های خویش، غالباً بر دین‌مداری و مجاهدت برای حاکمیت قرآن در جامعه تأکید می‌نماید. با وجود تمامی این تدابیر و تشویق سپاهیان به ادامه جنگ، آنان همچنان بر پذیرش صلح اصرار ورزیدند تا این که امام(ع) مجبور شد دستور توقف جنگ را صادر نماید.

نتیجه‌گیری

۱. سخنان امام(ع) قبل از شروع جنگ صفین و حین نبرد، حاوی مضامینی است که به نظر می‌رسد با جریان حکمیت که در مراحل پایانی این نبرد اتفاق افتاد، هم‌راستا است. شواهد متنی عبارتند از: الف) امام(ع) در جهت بصیرت‌افزایی سپاه خویش و جدیت آنها در مقابله با اهل شام، به خصلت‌های منفی معاویه و سپاه وی اشاره می‌نماید. نکته قابل توجه این است که آن حضرت در هر دو مرحله نبرد (قبل و حین نبرد) بر روی ویژگی‌های خاصی از دشمن تأکید دارد. ویژگی بارز، اسلام ظاهری و کفر باطنی معاویه و اطرافیان است که مضامینی مانند دشمنی با خداوند، دشمنی با سنت و قرآن، بی‌توجهی به امر و نهی الهی و دعوت به بت‌پرستی در ذیل آن قرار می‌گیرند. با توجه به این مضامین، امام(ع) پرده از چهره اسلام‌ستیز و کفر پیشه دشمن برداشته و به‌طور ضمنی بر این موضوع تأکید دارد که آنان به هیچ‌وجه نیت خیرخواهانه و قصد عمل به قرآن و اسلام را نداشته، بلکه به دنبال نابودی اسلام و در دست گرفتن قدرت هستند.

ب) حضرت علی(ع) در حین نبرد بخشی از سخنان خود را به بیان جنبه‌های رحمت و هدایتگری خویش به عنوان امام و جانشین پیامبر(ص) اختصاص داده است. علاوه بر آن، در معرفی جایگاه خویش به سابقه ایمان و ارتباط بسیار نزدیک خود با پیامبر(ص) در امور سیاسی، دینی و شخصی اشاره نموده است. بر طبق این مضامین، امام(ع) بر این موضوع تأکید دارد که شخصی با چنین سابقه ایمان و خدمت مجدانه در راه اعتلای اسلام، سزاوار پیروی است و در هیچ شرایطی احتمالی پشت کردن او به حکم قرآن و خیانت او در حق مسلمانان وجود ندارد. علاوه بر این، این نکته نیز قابل توجه است که مضامین خطبه‌های آن حضرت در معرفی خویش درست در مقابل مضامین دشمن‌شناسی ایشان قرار دارد. به عبارت بهتر سابقه

کفر در مقابل سابقه ایمان، سابقه اسلام‌ستیزی در مقابل سابقه اسلام‌گستری، فریب در مقابل در مقابل صداقت و گمراه‌کنندگی در مقابل هدایت‌گری قرار گرفته است.

ج) علاوه بر کارکرد تأثیرگذار صنعت طباق در کلام حضرت، تأکید ایشان بر ویژگی‌های خاص و تکرار آن به دفعات می‌تواند بیانگر اهمیت زیاد و کارکرد آن خصائص در جریان حکمیت باشد. خصوصاً زمانی که سپاه مابین پیشنهاد صلح و حکمیت از جانب دشمن و دستور امام(ع) به ادامه نبرد، باید یکی را برگزینند. این جاست که سپاهیان بایستی با توجه به روشنگری‌های ایشان در رابطه با ایمان و هدایتگری خویش و سابقه کفر و جنبه‌های گمراه‌کنندگی معاویه و اطرافیان، تصمیم درست را اتخاذ نمایند.

د) همچنین با تحلیل محتوای کیفی مضامین خطبه‌های امام(ع) ثابت شد که معاویه و اطرافیان، متناسب با شرایط و اهداف قدرت‌طلبانه و شخصی خود دست به جنگ‌افروزی می‌زنند و یا جنگی را که خود آتش آن را برافروخته‌اند تا زمانی ادامه می‌دهند که در راستای تأمین منافع آنان باشد. به عبارت بهتر آنان منافع را معیار جنگ و صلح می‌دانند، اما حضرت علی(ع) جز یک معیار نمی‌شناسد و آن رضایت خداوند و منافع مسلمانان است و جنگ و صلح ایشان دقیقاً با چنین نگرشی صورت می‌گیرد. از این رو امام در هر شرایطی که این شرط را برای جنگ یا صلح محقق بدانند، هر چند به لحاظ شخصی برایشان زیانبار باشد، از آن استقبال کرده و در غیر این صورت با آن به شدت مخالفت می‌ورزند.

۲. استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی می‌تواند یکی از راه‌های درک و شناخت بهتر لایه‌های پنهان متون دینی باشد. به‌عنوان کارهای آتی، استفاده از این روش برای بررسی سایر موضوعات و جریان‌های دوره حکومتی امام علی(ع) از جمله جنگ جمل و نهروان پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۴۲۸). شرح نهج البلاغه. بغداد: دار الكتاب العربی.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». مجله پژوهش. سال دوم، شماره دوم، ۴۴-۱۵.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۴). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی سرخابی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پیربدایی، فاطمه. (۱۳۸۸). «تحلیل محتوای کیفی و مطالعات موردی». پیام پژوهش. سال نهم، شماره ۱۰۰، ۳۷-۳۴.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی». فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، شماره ۶۴، ۱۳۸-۱۰۵.
- جانی پور، محمد. (۱۳۸۸). «تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی(ع) و معاویه». بلاغ مبین. شماره ۱۹ و ۲۰، ۷۰-۳۱.
- جرداق، جرج. (۱۳۷۹). امام علی(ع) صدای عدالت انسانی. ترجمه سید هادی خسروشاهی. ج ۴، چاپ دهم. تهران: نشر سوره.
- جعفری، اصغر. (۱۳۸۱). «شناخت شیوه‌های دشمن از منظر امام علی(ع)». در مجموعه مقالات همایش تبیین سیره دفاعی امام علی(ع). چاپ اول. تهران: انتشارات دفاع.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۷). فروغ ولایت: تاریخ تحلیلی زندگانی امیرالمؤمنین علی علیه السلام. قم: مجمع جهانی اهل بیت(ع).
- ستوده‌نیا، محمدرضا و جانی پور، محمد. (۱۳۹۱). «الگوی مدیریت بحران‌های سیاسی-اجتماعی از منظر امیرالمؤمنین علی(ع)». پژوهش‌نامه علوی. شماره ۶، ۵۲-۲۷.
- سجادی، سید عبدالقیوم. (۱۳۷۹). «سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)». مجله علوم سیاسی، شماره ۱۱، ۷۳-۱۰۷.
- صلواتی، محمد. (۱۳۷۹). جمود و خشونت: پژوهشی پیرامون جریان خوارج در نهج البلاغه. چاپ اول. تهران: موسسه نشر و انتشارات ذکر.
- کریپندورف، کلوس. (۱۳۷۸). تحلیل محتوا (مبانی روش‌شناسی). ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- محمدی‌مهر، غلامرضا. (۱۳۷۸). روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق). چاپ اول. تهران: دانش نگار.
- مکارم شیرازی، ناصر، محمد جعفر امامی، محمدرضا آشتیانی، محمد احسانی‌فر و محمد جواد ارسطو. (۱۳۷۸-۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین(ع). قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب.

- منقری، نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲). **وقعة صفین**. تحقیق عبدالسلام محمدهارون. چاپ دوم. قاهره: مؤسسه العربیة الحدیثة.
- مؤمنی‌راد، اکبر. (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج». **مجله اندازه‌گیری تربیتی**. سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۸۷-۲۲۲.
- مهرداد، ندا، سیده فاطمه حق‌دوست‌اسکویی و نعیمه سیدفاطمی. (۱۳۹۴). **تحلیل محتوای کیفی**. تهران: مرکز نشر بشری.